

نوسانات ارزی
در تلاقی سیاست و اقتصادروایت بانک مرکزی
از برنامه‌های ثبات‌بخش بازار دلار

صفحه ۲

نیاز اقتصاد ایران

«تعادل» وضعیت بازار سرمایه را بررسی می‌کند

مقاومت بورس در برابر تورم

دارایی‌های خود باشند. در چنین فضایی، پرسش مهم و تکرار شونده این است که آیا بورس و بازار سهام هنوز می‌تواند نقش «پناهگاه» را در برابر تورم ایفا کند یا این کار کرد، در سایه ریسک‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تضعیف شده

است؟ این سوال به‌ویژه در ماه‌های اخیر دوباره پررنگ شده؛ زمانی که نرخ تورم همچنان بالاست، قیمت‌تار مسیر صعودی را تجربه می‌کند و در عین حال بازار سرمایه پس از دورهای رکود، نشانه‌هایی از تحرک و رشد را بروز داده است.



بیمه‌های بدهکار، تولید کنندگان بی‌ارز

«تعادل» بحران دارویی در پیچ حذف ارز ترجیحی را بررسی می‌کند

۸

یادداشت-۲

با مصوبه هیات دولت، مصوبه اصلاح قیمت بنزین از روز شنبه رسماً آغاز شد. اما معتمد این اصلاح نخستین گام از مسیری است که دولت باید آن را همچنان پیماید. واقع دولت تنها یک گام از گام‌های اصلاحی لازم را برداشته است و در ادامه باید سایر اقدامات اصلاحی برای واقعی کردن قیمت بنزین را نیز انجام دهد. جدا از برخی مشکلات موردی که ممکن است مردم با آن داد که اتفاقاً مردم با تصمیمات عاقلانه همراهند و از آن حمایت می‌کنند. هر چند مردم با مشکلات معیشتی بسیاری مواجهند، اما باید اعتراف کرد که این تصمیم، تکانه معیشتی قابل توجهی برای مردم ایجاد نمی‌کند. دامنه گرانی‌ها در کشور به اندازه‌ای فراگیر شده که نرخ بنزین در آن رقم قابل توجهی محسوب نمی‌شود. دیروز



حسن مرادی

از خداداد عزیزی تا شایعه! افکار عمومی؛ گنج و بی‌هنجار؟



محسن عباسی

حالا تقبیح هستند. در نگاه اول شاید این پدیده، نوعی تفاوت عقیده مثبت ارزیابی شود اما با نگاهی دقیق‌تر می‌بینیم که جامعه دیگر نسخه متعالی ندارد و هنجارهایش را گم کرده است. در سال‌های اخیر، جامعه ایران با پدیده‌ای مواجه شده که می‌توان آن را «آل میمان رفتن قابلیت تشخیص هنجار» نامید؛ وضعیتی که در آن مرز میان حق و ناحق، درست و غلط و حتی سود و زیان، به چنان اندازه‌ای مخدوش شده که شهروند عادی دیگر نمی‌داند چه تصمیمی با واقعیت‌های کشور هم راستاست و کدام تصمیم درست‌تر است. این آشفتگی تنها به سیاست محدود نیست و در لایه‌های فرهنگ، اقتصاد و روابط اجتماعی نیز خود را آشکار کرده است. اقتصاد شاید روشن‌ترین صحنه این اختلال باشد. مردم وقتی به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی اعتماد ندارند و رفتارشان تغییر می‌کند، پس انداز جای خود را به «حفظ قدرت خرید پول» می‌دهد؛ خریدهای مکرر طلا، ارز و... جایگزین برنامه‌ریزی بلندمدت خانواده‌ها و ساختارها می‌شود. تولیدکننده، به جای توسعه کسب و کار، خود را در شرایط متزلزل می‌بیند و سرمایه‌اش را از ریسک

تعمیر کاری به خانه ما آمده بود و می‌گفت یک شیر گاز که در یکجای به کار می‌رود، ۲ ماه قبل ۲ میلیون بوده و طی ۲ ماه ۵ میلیون شده است! باید از کسانی که نسبت به این تصمیم دولت انتقاد می‌کنند، پرسید چرا در برابر این دامنه گرانی‌ها سکوت کرده‌اند، اما در برابر یک اصلاح کوچک در حوزه انرژی، آسمان را به ریسمان می‌بافند و فریادو معیشت‌اسر می‌دهند. قدمی که دولت برداشته مزایای بسیاری برای دولت، مردم و اقتصاد کشور به همراه دارد. کم‌ترین خروجی این تصمیم کاهش بار رفیع کسری بودجه است. رفع کسری بودجه به معنای کاهش تورم و بهبود شاخص‌های اقتصادی خواهد بود. قبلاً هر ایرانی یک پاک ۲۰ لیتری خودرو را به قیمت ۱۶۰ هزار تومان پر می‌کرد، امروز این رقم به ۲۰۰ هزار تومان رسیده است. این تغییر تأثیر ویژه‌ای در مسیر معیشت مردم ایجاد نمی‌کند، ضمن اینکه هر ایرانی به طور متوسط بین ۶۰ تا ۸۰ لیتر مصرف بنزین دارد و سهمیه‌های کنونی این نیاز را پاسخ می‌دهد. معتمد بخشی از انتقاداتی که در رسانه‌ها و تریبون‌ها

مطرح می‌شود مرتبط با افراد و جریاناتی است که از قاچاق بنزین و سایر حامل‌های انرژی سود می‌برند. بر اساس اعلام نهادهای رسمی، در ایران روزانه ۲۰ میلیون لیتر بنزین قاچاق می‌شود. این رقم بسیار بالاست و سود نجومی نصیب قاچاقچیان می‌کند. این افراد و گروه‌ها با تریبون‌ها و رسانه‌هایی که در اختیار دارند در شرایطی از دولت انتقاد می‌کنند که در برابر گرانی لبنیات، گوشت، مواد پروتئینی و... سکوت کرده‌اند! اتفاقاً این محصولات به مراتب بیشتر از بنزین در معیشت مردم تأثیر می‌گذارد. اگر نهادهای دامی با قیمت ۸۰ تومان وارد می‌شود ۱۶۰ تومان به فروش می‌رسد. بخش قابل توجهی از ارز دولتی به نهادهایی تخصصی می‌یابد که با قیمت ارز آزاد در اختیار مردم قرار می‌گیرد. اما هیچ رسانه و جریانی در برابر این احجاف آشکار سخن نمی‌گوید و زبان به انتقاد نمی‌گشاید. مردم باید بدانند که تخصیص بنزین دولتی نه‌ایت‌به‌ضرر آنها تمام می‌شود. همان‌طور که تخصیص ارز دولتی، تخصیص سهمیه‌های خودرو به افراد خاص و سایر رانت‌ها به ضرر مردم تمام می‌شود، مردم برای

یادداشت-۴

بورس؛ مقصد جدید سرمایه‌گذاری

و جنگ به صورت پرتنگی روی این بازار سایه انداخت و در نهایت بازار سرمایه روند اصلاحی را در پیش گرفت.

پس از انتشار داده‌های تورم توسط بانک مرکزی و مرکز آمار، همچنین افزایش نرخ دلار بازارها روند جدیدی به خود گرفتند و در این بین افزایش انتظارات تورمی باعث شد که سرمایه‌گذاران همانند گذشته به بورس باز گردند و دوباره این بازار تبدیل به اولین گزینه سرمایه‌گذاری شود. از سوی دیگر نکته قابل توجه اینجاست که از سال ۱۳۹۹ تا به امروز نگرش سرمایه‌گذاران نسبت به ریسک در بورس کاملاً تغییر کرده و به نوعی سهامداران از شرایط و تنوع ریسک‌ها مطلع شده‌اند و با احتساب این ریسک‌ها سرمایه‌گذاری به‌تری در بازار دارند. در شرایط امروز ریسک سیستماتیک به صورت قابل توجهی در بازار کاهش یافته و بازار سهام با شوک کمتری دست و پنجه نرم می‌کند، البته عوامل باعث شده که پیش‌بینی بورس در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت سهیل‌تر شود. البته همچنان این ریسک روی تمامی بازارهای مالی از جمله بورس سایه انداخته و تنها در مقایسه با گذشته سایه آن کم‌رنگ‌تر شده است. صعود نرخ دلار در بازار آزاد، رشد طلا و کاهش حباب آن، افزایش انتظارات تورمی و کاهش ریسک‌ها دست به دست هم داده تا مجدد سرمایه‌گذاران بورس را به عنوان یک بازار مولد و سودساز مورد قبول داشته باشند و در نهایت دوباره اقدام به سرمایه‌گذاری در این بازار کنند.



رقیه نادابی

باز گذشته‌اند، شاخص و سهام توانسته روزهای خوبی را تجربه کنند و به نوعی از کف برخیزند. البته این بازگشت دوباره سهامداران به بورس از جنس سال ۹۹ یا سفته‌بازی نیست، بلکه به نظر می‌رسد که دوباره امید و اعتماد به این بازار بازگشته است. البته دو عامل مهم یعنی کاهش ریسک سیستماتیک و افزایش انتظارات تورمی باعث شده که اعتماد سهامداران نسبت به بورس افزایش یابد و بازار آرام آرام از کف قیمتی خود فاصله بگیرد. البته صعود نرخ دلار و طلا نیز در اقبال سهامداران به این بازار بی‌تأثیر نبوده و به نظر می‌رسد این عوامل نیز توانسته‌اند حضور سهامداران را در بازار تقویت کنند.

بازار سهام در ابتدای سال جاری به واسطه خوش‌بینی بی‌مذاکرات و سیگنال‌های نسبتاً مثبت آن روند صعودی به خود گرفت و توانست در آخرین روزهای اردیبهشت ماه رکوردشکن نیز شود و حدود ۲۰ درصد بازدهی داد، اما این بازدهی در اقتصاد با خریداری‌های ایمن، چه در فرهنگ بانزوا و سیاسی و همچنین وقوع جنگ ۱۲ روزه تنش

شورای شهر تهران
زیر ذره‌بین تصمیمات کلاناز نفوذ آب باران
تا نفوذ شفافیت

صفحه ۵

نیازی به
کارت جایگاه‌ها نیست
حجم بالای
بنزین
۳ هزار تومانی

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از واریز ۱ میلیارد و ۱۲۰ میلیون لیتر بنزین با نرخ اول و یک میلیارد و ۸۶۶ میلیون لیتر بنزین با نرخ دوم به کارت‌های سوخت خودروهای بنزینی در آذر خبر داد و گفت: خودروهای تسکوز و دوگانه‌سوز حجم بالایی از سهمیه ۳ هزار تومانی دارند که در ۸ روز پایانی آذر می‌توانند آن استفاده کنند و نیازی به استفاده از کارت جایگاه‌ها نیست. به گزارش ایسنا، کرمانت ویس کرمی درباره سهمیه‌های واریز شده برای ۳۱ میلیون کارت سوخت... **صفحه ۳ | رایتخوانید**

پیمان سپاری ارزی
مانع اصلی پیش‌روی
بخش خصوصی در بودجه ۱۴۰۵موانع
صادرات رسمی

تعادل | ایست و نه‌پیمین نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در حالی بر گزار شد که فعالان اقتصادی از تشدید فشارهای مالیاتی، نوسان سیاست‌های ارزی و رکود در بخش‌های معدن، کشاورزی و صنعت گلایه داشتند. در این نشست، اعضای غیرفعال بوئن نیمی از معادن کشور، التهاب بازار پلیمرها و بحران نهاده‌های دامی تأکید کردند، در حالی که رییس اتاق ایران، پیمان سپاری ارزی را «مالیات پنهان بر صادرات رسمی» خواند...

صفحه ۷ | رایتخوانید

یادداشت-۵

اهمیت ثبات برای صنایع

انتظار ما این بود که با توجه به شرایط موجود و بودجه‌ای که دولت برای سال جاری تعیین کرده است، به سمت بهبود وضعیت ارزی و ایجاد ثبات در بازار ارز حرکت کنیم. حتی مهم‌تر از خود ثبات ارزی، حرکت به سمت یک نظام ارزی منسجم و قابل پیش‌بینی است. اما متأسفانه امروز بازار چندنرخ‌خی، عملاً چهار نرخ‌خی، مواجه هستیم که هر یک موضوع ناهنجاری‌های متعددی را در بازار ایجاد کرده است.



علی نقیب

ارزی منسجم و قابل پیش‌بینی است. اما متأسفانه امروز بازار چندنرخ‌خی، عملاً چهار نرخ‌خی، مواجه هستیم که هر یک موضوع ناهنجاری‌های متعددی را در بازار ایجاد کرده است. بیشترین اسباب از چندنرخ‌خی متوجه تولید و صنعت کشور است. ما از نظر منابع انسانی، نیروی متخصص و توان فنی در وضعیت مناسبی قرار داریم، اما اگر نتوانیم این منابع را حفظ کنیم، شرکت‌ها به تدریج توان تولید خود را از دست می‌دهند. وقتی بنگاه‌ها دیگر قادر به تولید نباشند، ناچار می‌شوند نیروی انسانی متخصص خود را تعدیل کنند. متأسفانه احساس من این است که چنین روندی در حال شکل‌گیری در کشور است. افزایش نرخ از یک طرف و کمبود نقدینگی برای شرکت‌های تولیدی از طرف دیگر، مجموعه عواملی هستند که قطعاً بر تولید ناخالص داخلی کشور و همچنین بر تولیدات آینده تأثیر منفی خواهند گذاشت. فعالان اقتصادی به‌طور ملموس شاهد افزایش هزینه‌ها هستند. واردات و صادرات گران‌تر شده و مشکلات تولید به شدت افزایش یافته است. در شرایطی که انتقال پول با محدودیت‌های جدی مواجه است، عدم دسترسی به نقدینگی، نبود ارز مناسب و دستکاری تأمین مواد اولیه وارداتی، همگی اثرات منفی مستقیمی بر فرآیند تولید دارند. در چنین وضعیتی، توان مقاومت تولیدکنندگان کاهش می‌یابد و این خطر وجود دارد که برخی واحدهای تولیدی ناچار به تعطیلی شوند. اما بدون ورود به جزئیات فنی، آنچه امروز در بازار قابل مشاهده است، نشان می‌دهد که کسری بودجه به عنوان یک عامل ساختاری، خود به تنهایی فشار افزایشی بر نرخ ارز وارد می‌کند.

البته بنگاه‌ها نیز باید بر اساس اولویت‌ها عمل کنند. متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که مادر داخل کشور با کمبود مواد اولیه مواجه شویم که معضلات بعدی از جمله شکل‌گیری بازار سیاه را در پی داشته است. اگر بازاری سیاه برای مواد اولیه‌ای که در داخل کشور تولید می‌شود شکل بگیرد، بدون شک این موضوع در قیمت تمام شده محصولات تأثیر گذاشته و دود آن به چشم مصرف‌کننده خواهد افتاد. این اتفاق متأسفانه هم‌اکنون به وضوح مشاهده می‌شود.